

Representation of Complex and Compound Nominal Phrases in Azeri Turkish Based on Role and Reference Grammar

Afshin Dehghani*

Mohammadali Torabi**, Hanieh Davatgari Asl***

Abstract

In the present study Azeri Turkish noun phrase construction is investigated in the framework of Role and Reference Grammar and Van Valin's (2005) theoretical pattern. In this descriptive analytical study, the data was selected from written resources and by listening to the conversations of the Azeri-speaking inhabitants of eastern Azerbaijan and only sentences containing complex and compound nominal phrases were selected by purposive sampling. Data analyses revealed that complex nominal phrase consists of restrictive clauses, nonrestrictive clauses and nominal complements. Relationship in restrictive relative group is of subordinative type and the link is of nucleus type. Due to this point that nonrestrictive relative clauses don't transfer essential information for recognizing noun to listener and haven't semantically close relationship with nominal nucleus, relationship in this type of noun phrase is subordinative and the link is of nominal core type. Constructions that have nominal complement have a clause as an argument of nominal nucleus core. The type of relationship in this noun phrase is of subordinative type and the link is of nominal nucleus core type. Compound nominal phrase consists of

* Department of Linguistics, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran,
afshindehghan23@gmail.com

** Department of Linguistics, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran (Corresponding Author),
mohammadali.torabi987@gmail.com

*** Department of English language teaching, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran,
hdavatgar@ymail.com

Date received: 2023/02/06, Date of acceptance: 2023/04/11



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

conjunctive nominal phrases, endocentric, exocentric and appositive. And also, Studying of noun phrase construction based on Role and Reference Grammar, we can refer to points that are specific to this grammar and are not seen in other formal and traditional grammars, and the relationship of different elements regarding to different layers of the nominal phrase and its relationship with the core, nucleus and nominal phrase can be explained.

Keywords: Azeri Turkish Language, Noun Phrase, Complex Nominal Phrase, Compound Nominal Phrase, Role and Reference Grammar.



بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ترکی آذری بر پایه دستور نقش و ارجاع

افشین دهقانی*

محمدعلی ترابی**، هانیه دواتگری اصل***

چکیده

در این پژوهش ساخت گروه اسمی ترکی آذری در قالب دستور نقش و ارجاع و بر پایه الگوی نظری ون‌ولین (۲۰۰۵) بررسی می‌شود. در این پژوهش تحلیلی توصیفی، داده‌های مورد استناد، از منابع نوشتاری و با گوش دادن به مکالمه‌های ساکنان آذری زبان استان آذربایجان شرقی انتخاب شده‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند تنها جملات حاوی گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که گروه اسمی پیچیده شامل بندهای تحدیدی، بندهای غیرتحدیدی و متمم‌های اسمی است. ارتباط در گروه موصولی تحدیدی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع هسته است. بندهای موصولی غیر تحدیدی چون برای تشخیص اسم به شنونده اطلاعات ضروری منتقل نمی‌کنند و از لحاظ معنایی رابطه نزدیک با هسته اسمی ندارند، ارتباط در این نوع گروه اسمی پیروسازی و پیوند از نوع مرکز اسمی می‌باشد. ساخت‌های حاوی متمم اسمی بندی به‌عنوان موضوع مرکز هسته اسم دارند. نوع ارتباط در این نوع گروه اسمی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع مرکز هسته اسم می‌باشد. گروه اسمی مرکب شامل گروه‌های اسمی عطفی، درون مرکز، برون مرکز و بدل می‌باشد. همچنین، با بررسی

* گروه زبان شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران، afshindehghan23@gmail.com

** گروه زبان شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول)،

mohammadali.torabi987@gmail.com

*** گروه آموزش زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران، hdavatgar@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲



ساخت گروه اسمی از منظر نقش و ارجاع می‌توان به نکاتی اشاره کرد که مختص این دستور بوده و در دیگر دستوره‌های صورت‌گرا و سنتی مشاهده نمی‌شود و رابطه عناصر مختلف با توجه به لایه‌های مختلف گروه اسمی و نوع رابطه آن با هسته، مرکز و گروه اسمی قابل توجه و تبیین است.

کلیدواژه‌ها: زبان ترکی آذری، گروه اسمی، گروه اسمی پیچیده، گروه اسمی مرکب، دستور نقش و ارجاع.

۱. مقدمه

بشر زبان را به عنوان وسیله ارتباطی به کار می‌گیرد تا افکار و احساسات خود را بیان نماید. در دنیای امروزی، جهانی شدن نیاز به فراگیری زبان‌های مختلف را در کنار زبان مادری ایجاد می‌کند (فرامکین، بلیر و کولینز ۱۹۹۱: ۲ به نقل از نبی فر ۱۳۹۱).

«زبان ترکی از لحاظ نسبی و تباری از شاخه‌های خانواده زبان‌های اورال - آلتایی، و به بیان صحیح‌تر، از گروه زبان‌های آلتایی است. «زبان‌های اورال - آلتاییک به مجموعه‌ی زبان‌هایی گفته می‌شود که مردمان متکلم به آنها از منطقه‌ی بین کوه‌های اورال و آلتایی (در شمال ترکستان) برخاسته و هر گروه در زمان‌های مختلف به نقاط مختلف مهاجرت کرده‌اند. این گروه زبان‌ها شامل زبان‌های فنلاند، مجارستان و زبان‌های ترکی، مغولی، منچو و تونفور (زبان‌های آلتاییک) است» (جعفر اوغلو ۱۹۷۰ به نقل از هیئت ۱۳۸: ۱۸).

یکی از سازه‌هایی که در تمامی جملات وجود دارد گروه اسمی است؛ زیرا معمولاً جمله از گروه اسمی و فعلی تشکیل می‌شود. افراشی (۱۳۸۶: ۵۶) به تحلیل ساختاری گروه اسمی پرداخته و سطح تحلیل ساختاری در حد فاصل واژه و جمله را گروه نامیده است. به نظر ایشان، گروه‌های اسمی از بیش از یک واژه ساخته می‌شوند؛ به گونه‌ای که میان واژه‌های تشکیل‌دهنده گروه، ارتباط نحوی برقرار است؛ همچنین، بر اساس قواعد زبان فارسی و با ذکر مثال‌هایی، امکانات ساخت گروه اسمی را نشان می‌دهد و شناخته‌ترین ساخت گروه اسمی را توالی اسم و صفت می‌داند. از نظر مشکوه‌الدینی (۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۳) آن واحد نحوی که از یک یا چند واژه تشکیل می‌شود و واژه اصلی یا هسته آن، اسم است، «گروه اسمی» گفته می‌شود؛ پس یک اسم به عنوان واژه اصلی یا هسته به کار می‌رود. گروه اسمی، ممکن است فقط شامل هسته باشد و به صورت یک اسم ظاهر شود. واژه یا گروه‌هایی که با هسته به کار می‌روند، «وابسته» نامیده می‌شوند.

دستور نقش و ارجاع علی رغم موارد مذکور اعتقادی به وجود مجموعه جهانی و فراگیر از مقولات واژگانی در زبان‌ها ندارد و معتقد است که تنها اسم و فعل جهانی هستند. ون ولین قیدها را افزوده می‌نامد که غیرگروهی هستند. گروه صفتی رادر زمره عملگرهای اسمی می‌داند (Van Valin 2005: 19). ون ولین تمامی مقولات نحوی در زبان‌های بشری را درون مرکز یا فرافکنه‌ای از یک هسته واژگانی و نقشی نمی‌داند. ساخت گروه اسمی را به دو گروه ساده و پیچیده تقسیم می‌کند، گروه‌های اسمی پیچیده شامل گروه‌های اسمی افزوده، گروه‌های اسمی دارای بندهای موصولی و ساختارهای دارای متمم می‌باشد و بقیه گروه‌های اسمی ساده می‌باشند (Van Valin 2007: 26).

از آنجا که دستور نقش و ارجاع توجه ویژه‌ای به نحو و روابط معنایی کلمات دارد و گروه اسمی زبان ترکی آذری از این منظر مورد بررسی قرار نگرفته است، خلأ علمی کاملی در این زمینه ملاحظه می‌شود. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف بررسی بازنمود گروه اسمی زبان ترکی آذری بر اساس دستور نقش و ارجاع انجام می‌شود و این تحلیل و بررسی در واقع پاسخی است به آن خلأ علمی زبان‌شناختی که در زمینه‌ی گروه اسمی وجود دارد. بررسی تحقیقات انجام گرفته در ترکی آذری در زمینه تحلیل ساخت گروه اسمی بر پایه دستور سنتی صورت گرفته است و هیچ مطالعه‌ای بر پایه دستور نقش و ارجاع در خصوص گروه اسمی تا جایی که نگارنده خبر دارد، صورت نگرفته است. متأسفانه در غالب تحقیقات

بیشتر بررسی‌ها درباره‌ی زبان ترکی استانبولی صورت گرفته است. از آنجا که زبان ترکی استانبولی از جهات صرفی و نحوی و واجی، تفاوت‌هایی با زبان ترکی آذری دارد، یافته‌های مربوط به آن را به طور قطع و یقین نمی‌توان به زبان ترکی آذری تعمیم داد. بنابراین، به پژوهش‌های جداگانه‌ای در این باره نیاز است (علائی ۱۳۹۲: ۲)

که اهمیت مطالعات زبان‌شناسی در حیطه‌ی زبان ترکی بویژه ترکی آذری را آشکار می‌سازد. در رابطه با نظریه‌ی دستور نقش و ارجاع در گویش‌های مختلف ایرانی، مطالعاتی به صورت خیلی کم انجام شده که البته چندان گسترده نیست و تنها عده‌ای محدود اقدام به بررسی ساختار زبان فارسی در چارچوب این نظریه کرده‌اند. در زبانهای دیگر نیز مطالعاتی در چارچوب این نظریه انجام شده است؛ اما جایگاه گروه‌های نقشی و از آن میان «گروه اسمی» در قالب این نظریه، موضوعی است که فقط در ایران برای کردی صورت گرفته است. بنابراین،

هدف از پژوهش حاضر بازنمود گروه اسمی پیچیده و مرکب زبان ترکی آذری بر پایه دستور نقش و ارجاع می‌باشد.

۱.۱ روش شناسی و داده‌های پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات بنیادی- کاربردی می‌باشد که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق، شامل ۵۰۰ جمله به زبان آذری می‌باشد؛ این جملات از منابع نوشتاری و با گوش دادن به مکالمه‌های ساکنان آذری زبان استان آذربایجان شرقی انتخاب شده‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند، تنها جملات حاوی گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب انتخاب شده‌اند و سپس بر پایه دستور نقش و ارجاع تحلیل شده‌اند.

۲.۱ سؤالات پژوهش

- ۱- آیا گروه اسمی در قالب مورد نظر ون ولین قابل طبقه‌بندی به گروه‌های ساده، پیچیده و مرکب است؟
- ۲- عملگرهای پیشین و پسین گروه اسمی پیچیده در ترکی آذری چه ویژگی‌هایی بر پایه دستور نقش و ارجاع دارند؟
- ۳- چه محدودیت‌های باهم‌آیی برای عملگرهای گروه اسمی پیچیده وجود دارد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲ پیشینه پژوهش

زبان کنونی آذربایجان که در شکل‌پذیری تاریخی خود از میان لهجه‌های قدیمی زبان‌های ترکی به لهجه اوغوز و تا حدود زیادی قپچاق مبتنی بوده است، در سیر مراحل تحول به اقتضای شرایط تاریخی و اجتماعی از یک سو با سایر شاخه‌های زبان ترکی الفت داشته و از سوی دیگر به دلیل همجواری و آمیزش با زبان‌های فارسی و عربی و پا به پای گسترش روابط فرهنگی و علمی و فنی با دنیای غرب، با زبان‌های اروپایی مأنوس بوده است. این مرادف تاریخی، الزاماً موجب تأثیر متقابل این زبان‌ها در یکدیگر گردیده است و در این تأثیر پذیری متقابل، تعداد انبوهی لغات و تعبيرات از زبان‌های فوق به زبان ترکی آذربایجانی راه جسته و به طور گسترده یا محدود در آن متداول گشته است (فرزانه ۱۳۸۴: ۱).

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۹۳

زبان ترکی یکی از بارزترین و شاخص‌ترین زبان‌های دنیا از لحاظ صرف افعال می‌باشد. اولین خصوصیت بارز که در ترکیب ساختمانی کلمات و الفاظ زبان‌های ترکی به نظر می‌رسد جنبه الصاقی (پیوندی) این زبان‌هاست. در زبان‌های پیوندی، علاوه بر ریشه کلمات که از یک هجا یا چند هجا تشکیل می‌شود، ادات پیوندی وجود دارد. از دیگر خصوصیات این زبان این است که مانند زبان فارسی ضمیرانداز (Pro-drop-Languages) است یعنی ضمیر فاعلی می‌تواند محذوف باشد و شخص و شمار فاعل از روی شناسه فعل قابل شناسایی است. همچنین ترتیب کلی سازه‌های اصلی جمله مانند زبان فارسی به صورت (فاعل - مفعول - فعل) (SOV) می‌باشد (طهماسبی نیگجه ۱۳۹۶: ۳).

می‌توان گفت ترکی ادبی یا کتابت از قرن هشتم میلادی (با سنگ‌نوشته‌های اورخون) شروع شده و تا قرون ۱۲-۱۳ ادامه یافته (ترکی اویغور، ترکی خاقانی زبان دیوان لغات کاشغری و قوتاد قوبیلگ) و بعد بعثت مهاجرت گروه‌هایی از ترکان به غرب و قبول اسلام و تأثیر فرهنگ جدید، دو نوع زبان کتابت پیدا شده: ترکی شمالی - شرقی؛ ترکی غربی (ترکی آذری و ترکی عثمانی). ترکی شمالی - شرقی ادامه ترکی خاقانی است که بعد از یک قرن تکامل به دو لهجه شمالی یا قیجاقی و لهجه شرقی یا جغتائی تبدیل شد. لهجه جغتائی از زمان تیمور شروع شد و در قرون ۱۵ و ۱۶ تکامل یافت و آثار ادبی با ارزشی عرضه کرد و بعد به لهجه جدید اوزبکی تبدیل شد. ترکی غربی در نیمه دوم قرن ۱۲ و نیمه اول قرن ۱۳ تشکیل شد و اکنون متون زیادی از آن در دست است. ترکی غربی از زمان سلاجقه شروع شده و تا امروز ادامه یافته است و به آن ترکی اوغوز هم می‌گویند. ترکی غربی زبان ترکانی است که بین بحر خزر تا مکالک بالکان سکنی دارند و از این رو ترکی جنوبی هم نامیده می‌شود. آن را به دو لهجه آذری و عثمانی تقسیم می‌کنند. ترکی ترکمنی هم جزو این گروه است.

کلاهدوزی پور (۱۳۹۶) به بررسی ساخت گروه اسمی و وابسته‌های پیشین آن در ترکی آذری بر پایه نظریه ایکس تیره پرداخته است، وی وابسته‌های پیشین ترکی را به صورت لیست بیان کرده و نکاتی را در مورد باهم آبی اعداد ترتیبی، اصلی، صفات مبهم، پرسشی، اشاره، تعجبی، عالی و شاخص بیان نموده است.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی ساخت لایه‌ای گروه اسمی در زبان کردی مکریانی بر اساس دستور نقش و ارجاع پرداخته‌اند. در این پژوهش، ساخت نحوی گروه اسمی در کردی مکریانی (از گویش‌های زبان کردی سورانی) در قالب دستور نقش و ارجاع و بر اساس الگوی ون ولین (۲۰۰۵) و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است.

پیمان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی جایگاه گروه صفتی زبان فارسی در دستور نقش و ارجاع پرداخته‌اند. این پژوهش به هدف بررسی شیوه تحلیل گروه صفتی زبان فارسی در دستور نقش و ارجاع و ارزیابی محاسن و معایب آن تدوین گردیده است.

رضایی و عظیم دخت (۱۳۹۶) محمول‌های مکانی در زبان فارسی را براساس دستور نقش و ارجاع، دو تحلیل ارائه شده از سوی ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و همچنین بتین (۲۰۰۴) بررسی کرده‌اند و دسته‌بندی معنایی از محمول‌های مذکور را ارائه نموده‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان داد، آنچه بتین تناقض نظری می‌داند در باب محمول‌های مکانی ایستا در زبان فارسی صدق می‌کند، همچنین در باب افعال لحظه‌ای، پایا و افعال کنشی پایا نیز صادق است؛ اما در باب افعال کنشی صدق نمی‌کند.

غفاری (۱۳۹۶) در پژوهشی به عنوان تصریف در زبان ترکی آذربایجانی در چهارچوب نظریه واج‌شناسی و ساخت‌واژه‌واژگانی، معتقد است چارچوب نظریه ساخت‌واژه‌واژگانی (صرف‌واژگانی)، انگاره‌ای واژه‌بنیاد است و بر همین اساس فرآیند تصریف در زبان ترکی آذربایجانی بر اساس چارچوب نظریه ساخت‌واژه‌واژگانی بستر کار قرار گرفته است.

کوربت (۲۰۰۰) اعتقاد دارد که ترکی از رده زبان‌هایی می‌باشد که تمایز بین اسم مفرد/عام و جمع را نشان می‌دهد، به این صورت که اولی نیازی به تمایز عدد ندارد یعنی نمود عدد در این زبان ممکن نیست (Corbett 2000).

کترز (۲۰۰۳) اعتقاد دارد که این دیدگاه که زبان ترکی یک زبان طبقه‌نما است، جالب به نظر می‌رسد. با توجه به انواع مختلف اسم جمع در ترکی، کترز ادعا کرد گروه طبقه‌نما به عنوان مقوله نحوی است و اسم‌های زبان ترکی در واقع با همتهای خود در زبان‌های دیگر همراستا نیستند. زیرا آن‌ها نیازی به حضور اجباری طبقه‌نما زمانی که با عدد همراه می‌شوند، ندارند. بنابراین هر فرضی مبنی بر اینکه اسم‌های زبان ترکی بایستی با توجه به طبقه‌نما مقوله‌بندی شوند منطقی نیست (Ketrez 2003).

ای‌گون (۲۰۰۷) به چند تفاوت اشاره کرده است: اسم‌ها به خصوصیتی دلالت ندارند، صفت‌ها در جایگاه محمولی همیشه دلالت بر خصوصیت دارند. بعلاوه نقش اصلی اسم از دیدگاه معناشناسی دلالت بر پدیده‌ها می‌باشد نه خصوصیت چیزی. اگر چه صفت‌ها می‌توانند وندهای تصریفی دریافت کنند، در حقیقت برای تصریف اسم صرف نمی‌شوند و شیوه تعبیر صفت‌ها محدود به واژگانی شدن آن‌ها بر پایه معنای واژگانی آن‌هاست (Uygun 2007).

گورگولو (۲۰۱۸) اسم‌های ترکی استانبولی را بر پایه معاشناسی و نشانه عدد اسمی مورد مطالعه قرار داد. وی بعد از بررسی اسم‌ها به نتایج زیر دست یافت: اسم‌ها از لحاظ نحوی، صرفی - نحوی و معنایی به صورت متفاوت رفتار می‌کنند، ویژگی‌های صرفی - نحوی و معنایی اسم‌ها در ترکی نشان می‌دهد که آن‌ها به عنوان اسم عام (set noun) عمل می‌کنند و آنها از لحاظ رده شناسی از زیر مجموعه گروه‌های اسمی می‌باشند (Görgülü 2018).

۳. چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش برپایه‌ی دستو نقش و ارجاع ون ولین (۲۰۰۵) انجام گرفته است. «دستور نقش و ارجاع به تعامل نحو، معاشناسی و کاربردشناسی در نظام‌های دستوری می‌پردازد» (Van Valin 2005: 1). این نظریه نقش‌گرا در اوایل دهه ۸۰ میلادی از سوی زبان‌شناسانی چون ون ولین و فولی مطرح شد. آن‌ها بر این باورند که دستور نقش و ارجاع همانند سایر نظریه‌های نقش‌گرا، زبان را به‌عنوان نظام ارتباط انسانی می‌پندارد. دستور نقش و ارجاع از یک سطح نمایش نحوی برخوردار است. به عبارت دیگر، این نظریه بر خلاف نظریه‌های زایشی مانند نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی هیچ‌گونه ساخت انتزاعی‌ای در نظر نمی‌گیرد. به همین علت است که ون ولین ادعا می‌کند دستور نقش و ارجاع نظریه‌ای کمینه‌گرا است (Van Valin 2001: 209). ساخت معنایی و ساخت نحوی در این دستور به گونه‌ای مستقیم با هم ارتباط پیدا می‌کنند و جمله‌های زبان را تولید می‌کنند، البته عوامل کاربردشناختی و گفتمانی نیز تأثیر گذارند (رضایی و عظیم دخت ۱۳۹۶: ۱۱۰).

دستور نقش و ارجاع تعامل عوامل کاربردشناختی و کلامی با نحو و معاشناسی یکی از عوامل اصلی است که در آن زبان‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند (Van Valin 2007: 20). بنابراین، در این نظریه شاهد تقابل محورهای نحوی و معنایی از یک سو و محورهای کاربردشناختی از سوی دیگر هستیم. دستور زبان «نقش و ارجاع» در دهه‌ی ۱۹۸۰ در پی مطالعات رابرت ون ولین و ویلیام فولی که شاگردان چارلز فیلمور بودند شکل اولیه به خود گرفت. در این دستور برخلاف دستور زایشی «نحو» حوزه‌ای مستقل به حساب نمی‌آید و همچون معنی‌شناسی زایشی با حوزه‌ی معنی‌شناسی یکسان نیست. دستور نقش و ارجاع را از منظر کلی می‌توان جزء دستورهای «غیر گشتاری» (Non - transformational) دسته‌بندی نمود. ون ولین و فولی از همان ابتدا انتقاداتی را بر دستور زایشی - که رویکرد غالب آن زمان بود مطرح ساختند. نظریه‌ی

دستوری نقش و ارجاع در طول این سالها همواره مورد بازبینی قرار گرفته در نهایت در کتابی که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد؛ شکل نهایی و کامل‌تر آن ارائه شد» (رسول پور حسنلوپی ۱۳۸۸: ۳۵). دستور نقش و ارجاع نظریه‌ای است که در آن ساخت نحوی، ریشه در مختصات واژگانی - معنایی افعال دارد. نمود واژگانی محمول مورد نظر تعیین کننده‌ی ساخت نحوی است که در آن می‌تواند وارد شود. به همین دلیل است یک سیستم غنی تجزیه‌ی واژگانی افعال برای تعریف روابط پذیرنده که به موقعیت نحوی از طریق نقش‌های عمده‌ی معنایی مرتبط می‌شود، به کار می‌رود.

ساخت نحوی در نظریه‌ی نقش و ارجاع تنها دارای یک لایه است؛ از این رو هیچ شباهتی به ساخت اشتقاقی در دستورهای گشتاری که از دو سطح نحوی تشکیل می‌شوند ندارد. از سوی دیگر ساخت نحوی در این دستور چنانکه در دستور چامسکی دیده می‌شود انتزاعی و پیچیده نیست (Rezai 2003: 292). به اعتقاد ون‌ولین و همکاران در تمام زبان‌های بشری هیچ امر مسلم تجربی مبنی بر اینکه زبانی در حوزه‌ی نحو قطعاً نیازمند فرض دو سطح نحوی می‌باشد، وجود ندارد (Van Valin et al. 1997: 20). بنابراین در این دستور تنها یک سطح نمود نحوی برای جملات در نظر گرفته می‌شود که به طور مستقیم با «نمود معنایی» (Semantic Representation) مرتبط می‌گردد (Van Valin et al. 1997: 21). «نظریه پردازان این دستور ادعا دارند که کمترین تعداد نمودهای ممکن را برای بررسی رابطه بین صورت و معنا در نظر گرفته‌اند و این نظریه به معنای واقعی نظریه‌ای کمینه‌گرا (Minimalist) است» (Roberts 2005: 3).

برای توضیح «ساخت جمله» در این نظریه باید گفت ساختی است شامل تمامی قواعد همگانی برای در برگرفتن زبانهای گوناگون با این پیش فرض که نباید قاعده یا استثنایی را به زبانهایی که تاکنون ناشناخته مانده‌اند به آن تحمیل کند. «موضوع (Argument)» و «محمول (Predicate)» عناصری هستند که در این نظریه در تقابل یکدیگر هستند و همچنین موضوع و غیرموضوع نیز در مقابل هم قرار می‌گیرند. محمول یا «هسته (Nucleus)» قسمتی است که اگر با موضوعات در هم آمیخته شود در واقع «کانون (Core)» جمله را تشکیل می‌دهد. اما قیدها و حروف اضافه در قسمت غیر موضوع در واقع «حاشیه‌ی (Periphery)» «ساختار لایه‌ای بند (Layered Structure of the Clause)» را تشکیل می‌دهند. در نهایت در این شیوه‌ی دستور زبان گروه فعلی به چشم نمی‌خورد.

در سال ۱۹۸۶ ون‌ولین و فولی با انتشار کتاب «زبان‌شناسی نقش‌گرا و دستور همگانی (Functional Linguistics and Universal Grammar)» شکل مدونی از کوشش‌های نخستین خود

را انتشار دادند. آن‌ها در سالهای بعد نظریه‌ی خود را کامل کردند و در مقاله نقش، ساختار، معنا و نقش بار دیگر بین جنبه‌های همگانی و غیرهمگانی ساختار لایه‌ای اصلاحاتی ایجاد شد. می‌توان اشاره کرد که آنها نظریاتی را از زبان‌شناسان دیگر در ساختار دستور زبان نقش و ارجاع جای دادند از جمله: نظریه‌ی ساختار گروه اسمی از دستور نقش‌گرای رین کاف (۱۹۹۲)، مفهوم قالب‌های ساختاری (Constructional Templates) از «دستور ساختی (Constructional Grammar)»، «ساخت اطلاعی» از نظریه لمبرخت، تحلیل کاربرد شناختی کونو، بولینگر و بیکرتون از پدیده‌ی «ضمیر سازی (Pronominalization)» و عقاید جکندوف در مورد ضمایر انعکاسی. ون ولین و لاپولا در این کتاب نظام رابطی بین نموده‌های نحوی و معنایی پیشنهاد دادند که گشتاری و اشتقاقی نیست. آنچه در بیشتر نظریه‌های دستوری تحت عنوان «واگذاری حالت (Case assignment)» و «مطابقه (Agreement)»، «حرکت پرسش‌واژه (Wh - Movement)» و... از آن یاد می‌شود در این دستور، در قسمت «الگوریتم رابط (Linking Algorithm)» جای می‌گیرد. ون ولین (۲۰۰۵-۱۲۸) وجود الگوریتم رابط را برای نظریه‌ای مثل نظریه دستور نقش و ارجاع، که تنها از یک سطح نمود نحوی برخوردار است، ضروری می‌داند، چرا که این رویکرد نظری نه تنها باید بتواند الگوهای بنیادین (canonical) بند را تبیین کند، بلکه باید بتواند از پس توصیف الگوهای غیربنیادین (non-canonical) بند نیز برآید. از سوی دیگر نیز، دوطرفه بودن الگوریتم رابط در این دستور، که از ویژگی‌های مهم آن هم می‌باشد، به این معنی است که این الگوریتم، بازنمایی معنایی را به بازنمایی نحوی و همچنین بازنمایی نحوی را به بازنمایی معنایی متصل می‌کند. شکل زیر نظام دستور نقش و ارجاع را با در نظر گرفتن فرایند پیوند نشان می‌دهد.



شکل ۱. نظام دستور نقش و ارجاع

در این دستور برخی عناصر جزو اصلی جمله به حساب می‌آیند و بند و ارکان آن را توصیف می‌کنند. فهرستی از این مقوله‌ها که در دستور نقش و ارجاع اهمیت دارند به طور مختصر در زیر می‌آیند:

هسته

هسته جزء اصلی معنایی بند است که محمول و موضوعهای آن را در بر می‌گیرد. محمول کنش یا موقعیتی را توصیف می‌کند و اغلب توسط یک فعل بیان می‌شود. گاهی اوقات هم یک اسم، صفت یا حرف اضافه است (Pavey 2010: 53).

مرکز

مرکز شامل هسته و موضوعات محمول است. در دستور نقش و ارجاع، در مرکز حداکثر سه موضوع می‌تواند قرار بگیرد که فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیر مستقیم هستند.

حاشیه

حاشیه شامل غیر موضوعهای محمول که مکان و زمان را در بر می‌گیرند، و عبارات و واژگانی که همه مرکز را شامل می‌شوند، است (Pavey 2010: 53).

پیش از مرکز

از جمله رویکردهایی که زبان‌ها برای نشان دادن کانون محدود به کار می‌برند، جایگاه‌های خارج از مرکز می‌باشد. یکی از این جایگاه‌ها، جایگاه پیش از مرکز است که درون بند و خارج از هسته قرار دارد. در این جایگاه اغلب کلمات پرسشی با عناصر مبتدا سازی شده و تأکیدی و عناصر دیگری که می‌توانند کانون محدود باشند، قرار می‌گیرند. نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که هر عبارت تنها می‌تواند یک جایگاه خارج از مرکز در خود داشته باشد (Pavey 2010: 280).

پس از مرکز

در بعضی از زبان‌ها عناصر تأکیدی بعد از مرکز می‌آیند. در واقع یک زبان نمی‌تواند هر دو جایگاه را همزمان داشته باشد. یا پیش از مرکز یا پس از مرکز می‌باشد.

عناصر جدا شده از چپ (left detached phrase(LDP)) و راست (right detached phrase(RDP))

پیش از عنصر پرسشی در یک جمله می‌تواند عناصر دیگر نیز به کار برود. در دستور زبان سنتی این عناصر در گروه قیدی به کار می‌روند. در دستور نقش و ارجاع به آنها عناصر جدا شده از چپ و راست می‌گویند. در زبان فارسی نیز عناصر جدا شده از راست کاربرد دارند.

۱.۳ ساخت بند در دستور نقش و ارجاع

بر اساس ون ولین (۱۹۹۳) بند در برگرفته‌ی دو ساخت اصلی است، و آن دو ساخت عبارتند از: ساختارهای رابطه‌ای و غیر رابطه‌ای (relational and nonrelational structures). ساخت رابطه‌ای عبارت از رابطه‌ای بین محمول و موضوع‌های آن است. ساخت غیر رابطه‌ای اشاره به ساخت سلسله مراتبی سازه‌ها در جمله دارد. این دو نوع رابطه جهانی هستند؛ زیرا همه‌ی زبان‌ها بین محمول و موضوع‌ها و همچنین ساخت سلسله مراتبی واحدها در جمله تمایز دارند. از آنجایی که این دو رابطه اساسی و جهانی هستند، شناخت ساخت رابطه‌ای و غیر رابطه‌ای بایستی به صورت دقیق توسط هر نظریه‌ی نحوی توضیح داده شود.

در این نظریه، بند (layered Structure of the Clause) دارای ساخت لایه‌ای است و ساخت لایه‌ای بر اساس دو تقابل در زبان بوجود می‌آید:

الف) تقابل موضوع و محمول

ب) تقابل موضوع با غیر موضوع. لایه‌های بند عبارتند از:

- ۱- درونی‌ترین لایه، یعنی هسته (nucleus).
- ۲- لایه‌ی مرکز (core) که از موضوع (argument) و محمول (predicate) تشکیل شده است.
- ۳- بند (clause) که عبارت است از مرکز + هسته + حاشیه (periphery) است

(Pavey 2010: 93-94).

۲.۳ ساخت گروه اسمی

گروه‌های اسمی نیز مانند بندها، دارای ساخت لایه‌ای درونی هستند، و لذا عملگرهایی نیز بخش‌های مختلف آنها را توصیف می‌کنند. بنابراین، آنچه در رابطه با گسترهی عملگرها در بند گفته شد در رابطه با گروه‌های اسمی نیز صدق می‌کند و بر ترتیب عملگرهای درون گروه اسمی اثر می‌گذارد. در ساخت لایه‌ای گروه اسمی یک هسته و عناصر اسم و یک مرکز اسم مشتمل بر هسته و عناصر وابسته به آن وجود دارد و هر سطح نیز دارای عناصر حاشیه خویش است (Van Valin et al. 1997: 58). گروه‌های اسمی که هسته آنها ضمیر و یا اسامی خاص است دارای ساخت لایه‌ای نیستند. این سازه‌ها معمولاً دارای عبارات ارجاعی مثل اسم خاص و ضمیر هستند که این دو مورد اخیر جایگزین گروه اسمی می‌شوند.

جدول ۱. عملگرهای گروه اسمی

عملگرهای هسته اسم
نمود اسمی (قابل شمارش و غیر قابل شمارش، ممیزهای اسم) عملگرهای مرکز اسم
عدد
کمیت
نفی
عملگرهای سطح گروه اسمی
معرفه‌گری
صفات اشاره

جدول شماره ۱ نشان دهنده عملگرهای گروه اسمی می‌باشد. نحوه قرار گرفتن عملگرها در گروه اسمی تابع همان محدودیت‌های قرارگرفتن عملگرها در بند است. در گروه اسمی هم مثل بند عناصر حاشیه و وظیفه توصیف هر سه سطح را دارند و به خاطر اینکه وظیفه اولیه عملگرهای هسته اسم توصیف محدود است، پس منطقی است که حاشیه هسته اسم نیز شامل توصیف کننده‌های محدود کننده حاشیه‌ای از جمله صفات، توصیف کننده‌های اسمی و بندهای موصولی محدود کننده باشد. از سوی دیگر، توصیف کننده‌های غیر محدود کننده در حاشیه گروه اسمی ظاهر می‌شوند. گروه‌های حرف اضافه افزوده و قیدهای بیانگر رخداد‌های پیچیده در حاشیه مرکز اسم ظاهر می‌شوند. (عزیزی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۰۲).

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، به تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود. گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب بعد از گردآوری واج‌نگاری شدند، برای واج‌نگاری از جدول انجمن بین‌المللی (International Phonetic Association) استفاده شد.

۱.۴ ساختار گروه اسمی پیچیده

گروه‌های اسمی دارای بند موصولی در این پژوهش حاضر گروه اسمی پیچیده نامیده می‌شوند، گروه اسمی دارای گروه متممی دارای دو نوع بند موصولی می‌باشند: ۱- بندهای موصولی تحدیدی که اطلاعاتی ارائه می‌دهند که جهت شناسایی اسم لازم می‌باشند و قابل حذف نمی‌باشند و ۲- بندهای موصولی غیرتحدیدی که اطلاعاتی ارائه می‌دهند که جهت شناسایی اسم لازم نمی‌باشند و قابل حذف می‌باشند و متمم اسمی. مثال (۱): فروشنده سخت‌کوش که در بازار کار می‌کند.

Çoxçaŋšan	Satan	ki	bazar	dæ	iŋle - y - ir
سخت‌کوش	فروشنده	که	بازار	در	-کارکردن - وجه ش ۳م - وم
حاشیه (صفت) و عملگر بر روی هسته گروه اسمی	هسته (گروه اسمی)	حرف موصولی (حاشیه) مرکز اسم	حاشیه (متمم)	حرف متمم	فعل حال (سوم شخص مفرد)

به طور کلی جایگاه حرف موصولی بعد از گروه اسمی واقع می‌شود:

مثال (۲): این درخت پربار که کاشتی.

bu	barrı	ayaŋ	ki	æh-dm
این	پربار	درخت	که	واژس. ش ۲م - کاشتن
حاشیه (صفت اشاره)	(حاشیه) صفت و عملگر بر روی هسته گروه اسمی	هسته اسم مرکز اسم گروه اسمی	حرف موصولی (حاشیه) مرکز اسم	فعل مرکز هسته (محمول)

بندهای موصولی به توصیف هسته پرداخته و مصداق آن را در جهان خارج محدود می‌کنند، و بدین جهت ون‌ولین از عنوان تحدیدی برای آنها استفاده می‌کند. این دسته از

گروه‌های اسمی که از ترکیب هسته و حاشیه موصولی به دست می‌آیند به همراه گروه‌های اسمی هم‌پایه، در زمره گروه‌های اسمی پیچیده قرار می‌گیرند (Van Valin 2005: 24).

۱.۱.۴ بندهای موصولی تحدیدی

بندهای موصولی تحدیدی در زبانی مثل ترکی آذری غیر موضوع یعنی جزء ظرفیت‌های فعلی محسوب نمی‌شوند و در حاشیه و در سطح هسته هستند، مثل نمونه «که» پیروی سازی هستند که در سطح هسته اسمی می‌باشند. ترکی آذری زبانی است که در آن ضمیر موصولی بایستی نمود داشته باشد.

به نمونه‌هایی از بندهای موصولی تحدیدی زیر توجه کنید:

4-1 bu kitabi k1 eliyæbilmıraem oxiyam

بخوانم نمی‌توانم که کتابی این

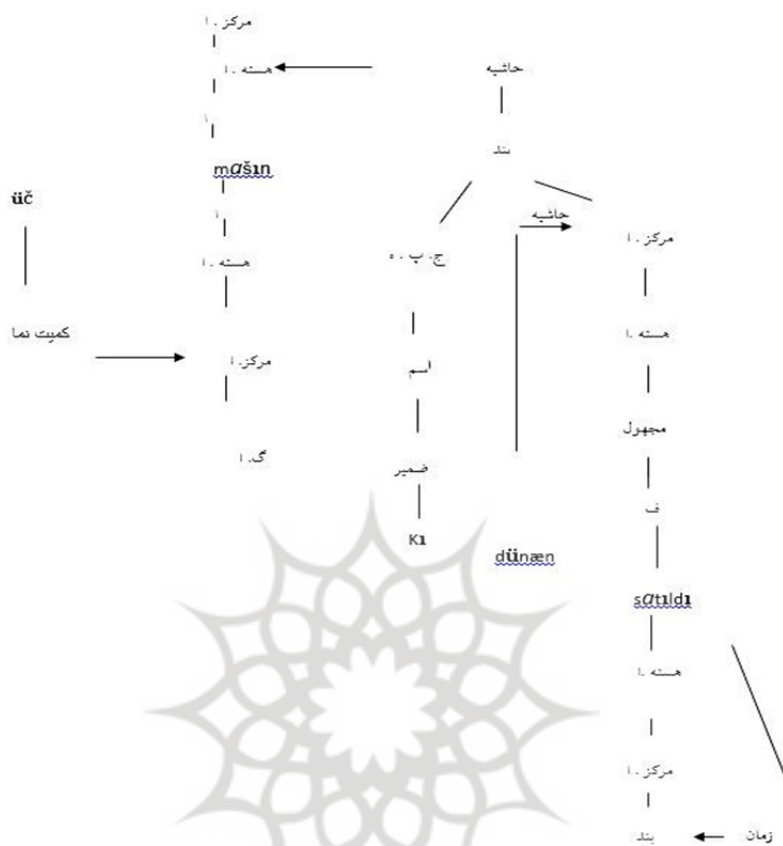
این کتابی که نمی‌توانم بخوانم.

4-2 üç maşın k1 dünæn satıldı

شد فروخته دیروز که ماشین سه

سه ماشین که دیروز فروخته شد.

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۱۰۳



نمودار ۱. نمودار درختی بند موصولی تحدیدی

همان‌طور که نمودار درختی نشان می‌دهد بندهای موصولی تحدیدی از عناصر حاشیه‌پسا هسته می‌باشند و رابطه معنایی قوی با هسته دارند چون اطلاعات جدید در مورد اسم به شنونده منتقل می‌کنند. ارتباط در این نوع گروه اسمی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع هسته‌ای می‌باشد.

۲.۱.۴ بندهای موصولی غیر تحدیدی

بندهای موصولی غیرتحدیدی دارای ساختار درونی بندهای موصولی تحدیدی می‌باشند اما رابطه ساختاری‌شان با هسته اسمی متفاوت است: اولاً با استفاده از سکوت از اسم متمایز

می‌شوند درحالی‌که بندهای موصولی تحدیدی از این ویژگی برخوردار نیستند. دوم اینکه اطلاعات اضافی در مورد اسم هسته ارائه می‌دهند یعنی اطلاعاتی که شنونده برای تشخیص مرجع از آن استفاده نخواهد کرد. سوم اینکه چون با اسامی خاص نمود پیدا می‌کنند، معمولاً فاقد ساختار لایه‌ای هستند. حاشیه مرکز اسم است و بندهای موصولی غیرتحدیدی جملات درونه‌گیری شده، هستند زیرا دارای نیروی منظوری مجزا از بند اصلی می‌باشند یعنی دارای معنایی منظوری اجباری بیانی هستند. بند موصولی غیر تحدیدی تأیید هسته اسمی است. ترکی آذری زبانی است که در آن ضمیر موصولی بایستی نمود داشته باشد.

نمونه‌هایی از بندهای موصولی غیرتحدیدی:

4-3 *ustad čehrae kɪ kɪtab bɪzæ verɔ bɪzɪm ustɑdɪmɪzɔ*

است نشانه مالکیت استاد داد به ما کتاب که چهره استاد
استاد چهره که به ما کتاب داد، استاد ماست.

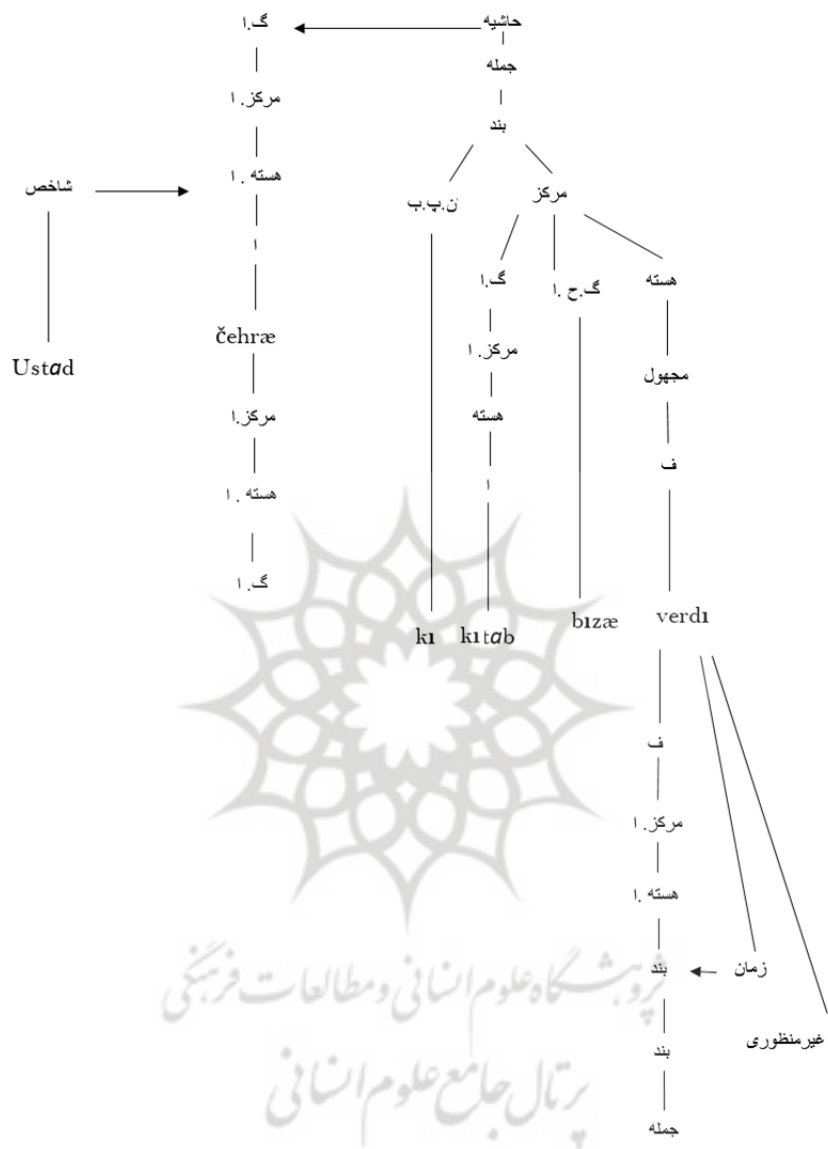
4-4 *ruhɑnɪ kɪ mɑlɪjɑtɪ mɪllætæ tæhmil elæɔɔ, ɑmɪɪkɑdɑ dɑnɪʃɑjɑx*

خواهد کرد صحبت در امریکا کرد تحمیل ملت مالیات که روحانی
روحانی که مالیات را به مردم تحمیل کرد در امریکا صحبت خواهد کرد.

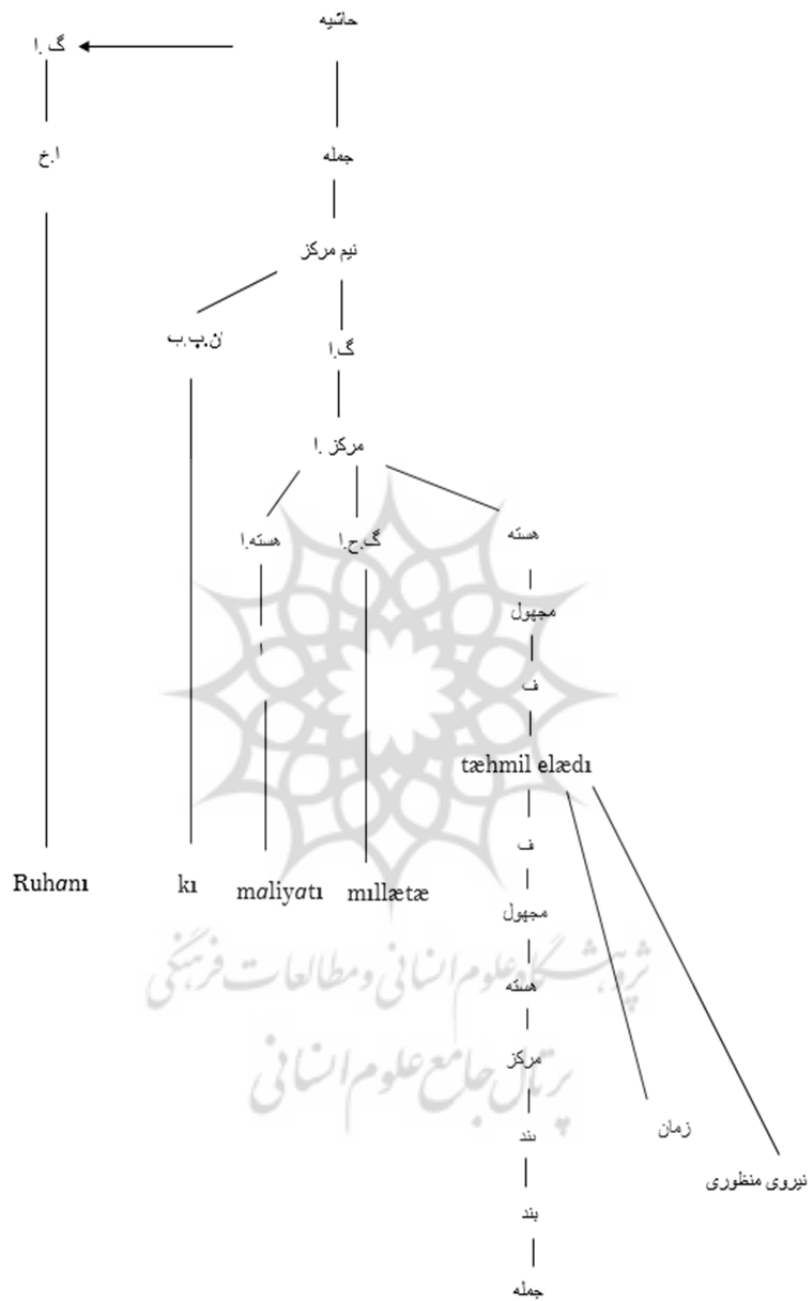
4-5 *æli kɪ futbɑl sɑvɪr*

دوست دارد فوتبال که علی
علی که فوتبال دوست دارد.

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۱۰۵



نمودار ۲. نمودار درختی بند موصولی غیر تحدیدی



نمودار ۳. نمودار درختی بند موصولی غیرتحدیدی

از لحاظ معنایی رابطه نزدیک با هسته اسمی ندارند. ارتباط در این نوع پیروسازی بوده و پیوند از نوع مرکز اسمی می‌باشد. ساخت بندهای موصولی تحدیدی در ترکی آذری با محدودیت‌هایی مواجه هستند و تمامی گروه‌های اسمی قادر به شرکت در هسته اسمی این گروه‌ها نیستند، مثلاً اسامی خاص و ضمائر شخصی نمی‌توانند در این هسته اسمی قرار گیرند و در صورت قرارگرفتن جملات غیر دستوری به وجود می‌آید، حال آنکه در جملات غیرتحدیدی این محدودیت وجود ندارد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

4-5 *roya, k1 mænım hæmkelasım dı, mæhændısdı*

است مهندس است هم کلاسی من که رؤیا
رؤیا که هم کلاسی من است، مهندس است.

4-6 *sızı, k1 hamı tanıyır, ıstısız hərə gedæsız?*

بروید به کجا می‌خواهید می‌شناسند همه که شما
شما را که همه می‌شناسند، می‌خواهید کجا بروید؟

زبان ترکی آذری ابزار صوری جهت تمایز بندهای دارای موصول تحدیدی و غیرتحدیدی ندارد، تنها ابزار صوری جهت تشخیص بند موصولی تحدید کننده از غیرتحدیدکننده مکث در گفتار و کاما در نوشتار است.

۳.۱.۴ گروه‌های اسمی دارای متمم اسمی

ساخت‌های دارای متمم اسمی دارای بندی به‌عنوان موضوع مرکز هسته اسم می‌باشد؛ به نمونه‌های زیر توجه کنید:

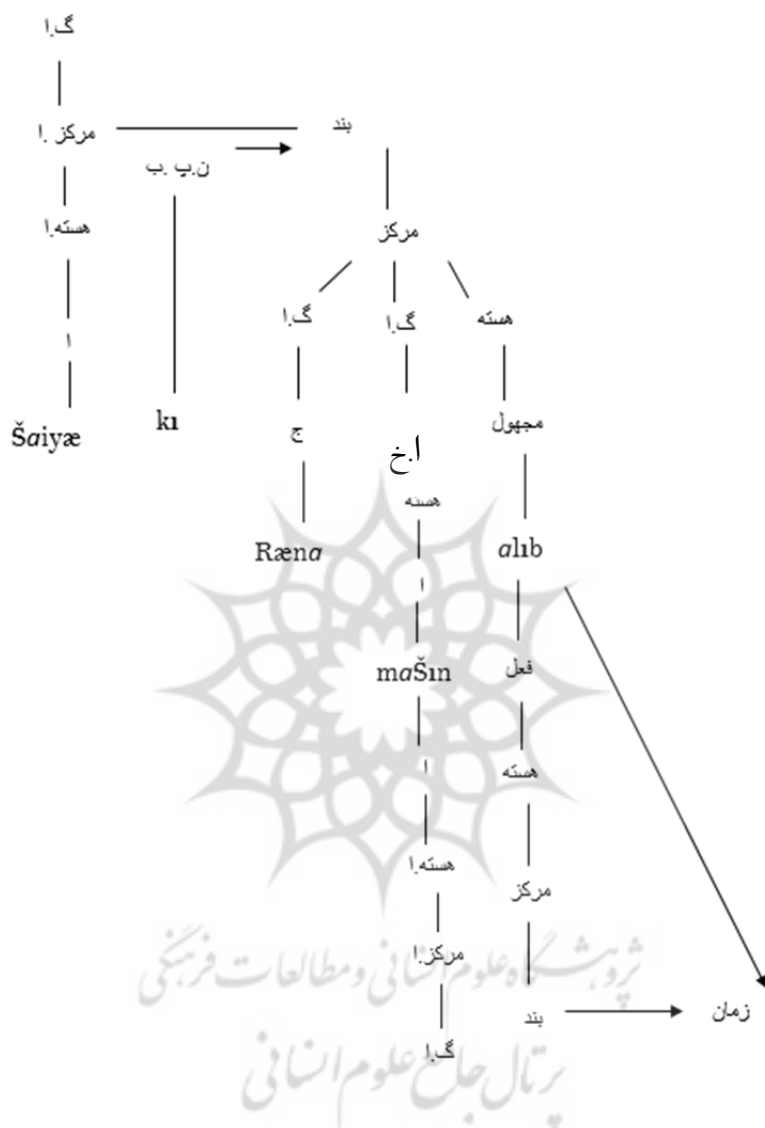
4-7 *šaiyə k1 rænə mašım alıb*

خرید ماشین رنا که شایعه
شایعه که رنا ماشین خریده

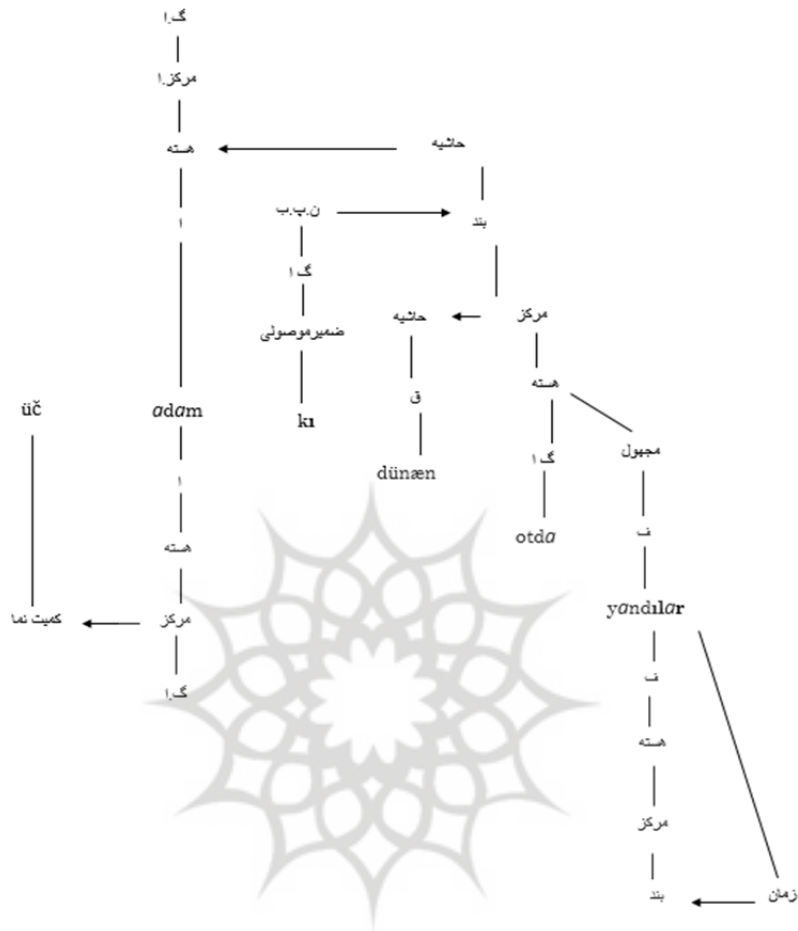
4-8 *üç adam k1 dünən otda yandılar*

سوختند در آتش دیروز که آدم سه
سه آدم که دیروز در آتش سوختند.

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۱۰۹



نمودار ۵. نمودار درختی گروه‌های اسمی دارای متمم اسمی



نمودار ۶. نمودار درختی گروه‌های اسمی دارای متمم اسمی

نوع ارتباط در این نوع گروه اسمی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع مرکز هسته اسم می‌باشد.

۲.۴ گروه‌های اسمی مرکب

۱.۲.۴ گروه اسمی مرکب درون مرکز (endocentric)

واژه درون مرکز کلمه مرکبی است که معنای کل آن در شمول یکی از کلمات سازنده‌اش قرار گیرد (طباطبایی ۱۳۸۲: ۲۴). بر این اساس، یکی از عناصر آن نقش هسته را ایفا می‌کند

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۱۱۱

(Spencer 1991: 311). به بیان دیگر، مرکب‌های درون مرکز دارای هسته‌ای می‌باشد که معنای بنیادی کلمه مرکب را می‌رساند (شقایق ۱۳۸۶: ۱۲۳). به‌عنوان مثال:

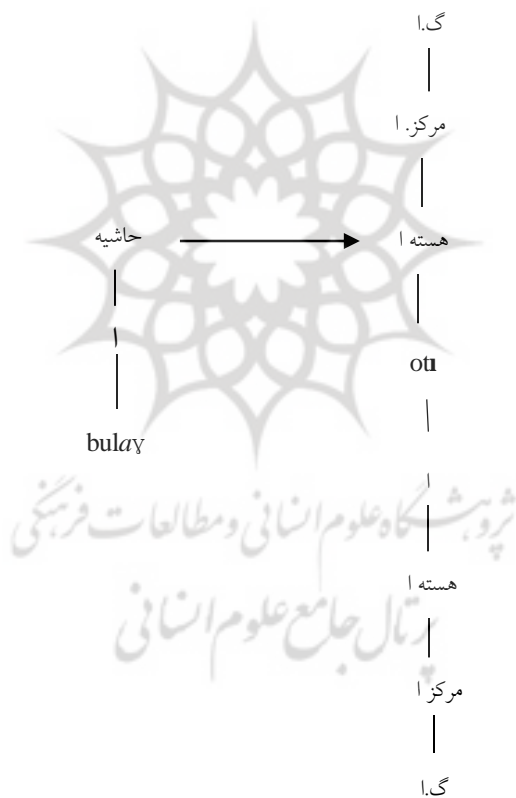
4-9 bulay oti

علف چشمه

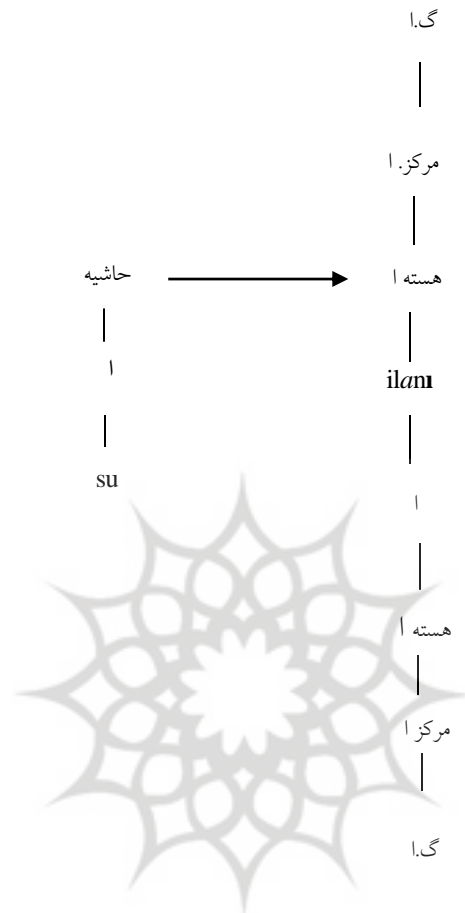
در واژه مرکب علف چشمه (bulay oti) هسته اسمی را علف (ot) تشکیل می‌دهد زیرا شمول معنایی بر روی این واژه است. مثال دیگر در این زمینه:

(نشان نسبت) +1 (مار) ilan + (آب) su (مارآبی) [ilan] i su

در این مثال نیز هسته اسم را واژه ilan تشکیل می‌دهد. اسم‌های مرکب درون مرکز هم از عناصر حاشیه پیش هسته و هم پس هسته می‌باشند.



نمودار ۷. نمودار درختی گروه اسمی مرکب درون مرکز



نمودار ۸ نمودار درختی گروه اسمی مرکب درون مرکز

۲.۲.۴ گروه اسمی مرکب برون مرکز (exocentric)

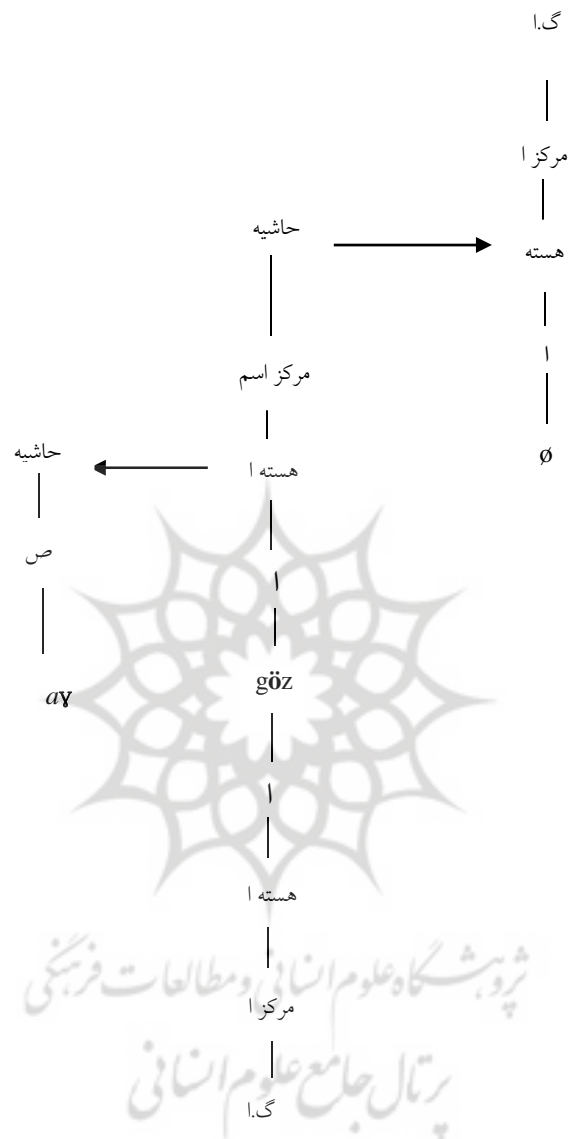
در این نوع ترکیب، هیچ یک از دو عنصر، هسته نیستند. به سخن دیگر، واژه مرکب نمی‌تواند تحت شمول هسته باشد. مثال:

4-10 ay göz

چشم سفید

4-11 boyumı yoyın

گردن کلفت



نمودار ۹. نمودار درختی گروه اسمی مرکب برون مرکز

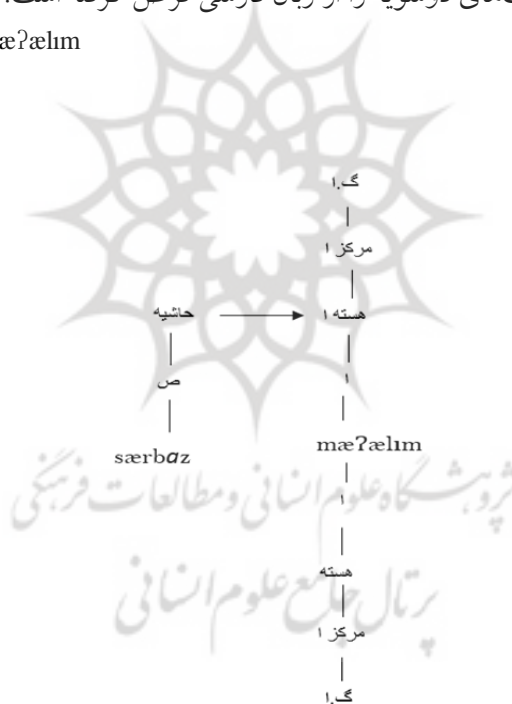
در مثال فوق دروازه مرکب هسته معنایی وجود ندارد و خارج از آن وجود دارد و کل ترکیب به مفهومی خارج از اسم اشاره دارد. بلومفیلد این نوع ترکیبات را به‌طوریهی می‌نامد که یک کلمه سانسکریت است (Bloomfield 1993: 235).

همان‌طور که نمودار درختی نشان می‌دهد هسته اسمی تهی است چون خارج از آن بوده و ترکیب از افزوده‌های هسته اسمی است که خود گروه اسمی می‌باشد که قبل از هسته تهی (که ممکن است انسان، حیوان یا شیء باشد)، قرار گرفته است.

۳.۲.۴ مرکب بدل یا دوسویه (appositional)

در این نوع ترکیب، هر دو جزء می‌توانند هسته باشند. در چنین ترکیبی، شاهد شمول دوسویه هستیم. مثلاً در زبان فارسی، در ترکیب «سرباز معلم»، هم یک نوع سرباز و هم یک نوع معلم قابل تصور است و بر همین قیاس، در زبان ترکی آذری، واژه مرکب /atababa/ اجداد، نیاکان، که از دو جزء /ata/ «پدر» و /baba/ «پدربزرگ» تشکیل شده است، هر دو جزء می‌توانند هسته باشند. ترکی آذری مرکب‌های دوسویه را از زبان فارسی قرض گرفته است؛ مثل مورد زیر:

4-12 sərbaz mæʔælim



معلم سرباز

سرباز معلم

نمودار ۱۰. نمودار درختی مرکب بدل یا دوسویه

۴.۲.۴ مرکب دوتایی یا متوازن

در این نوع ترکیب، هیچ یک از عناصر، هسته نیستند. معمولاً می‌توان بین آن دو واژه «واو عطف» قرارداد. مثال: شیرقهوه، کت شلوار، کله‌پاچه، آب‌نمک. به بیان دیگر، منظور از واژه متوازن، واژه مرکبی است که در آن، معنای کل واژه حاصل جمع معانی واژه‌هایی است که هم‌تراز با هم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (Spencer 1991: 321). در کلمات متوازن، معمولاً همه کلمات سازنده به یک مقوله نحوی تعلق دارند (طباطبایی ۱۳۸۲: ۲۵) و هر دو اسم در جایگاه هسته با و به یکدیگر در یک وضعیت قرار می‌گیرند.

اسم	+	اسم	=	اسم مرکب
/dam/		/duvar/		/dam-duvar/
بام		دیوار		در و دیوار
/yorvan/	+	/dösæk/	=	/yorvan-dösæk/
لحاف		تشک		لحاف و تشک

۵. نتیجه‌گیری

طبق چارچوب نظری دستور نقش و ارجاع، گروه اسمی در گروه‌های ساده، پیچیده و مرکب قرار می‌گیرند و این پاسخ سؤال اول می‌باشد که ۱- آیا گروه اسمی در قالب مورد نظر ون ولین قابل طبقه‌بندی به گروه‌های ساده، پیچیده و مرکب است؟ در این مقاله، گروه اسمی پیچیده و مرکب بررسی شد. همانطور که در تحلیل داده‌ها بیان شد، گروه‌های اسمی دارای بند موصولی در این تحقیق حاضر گروه اسمی پیچیده نامیده می‌شوند. بندهای موصولی به توصیف هسته پرداخته و مصداق آن را در جهان خارج محدود می‌کنند، و بدین جهت ون ولین از عنوان تحدیدی برای آنها استفاده می‌کند (Van Valin 2005: 24). این دسته از گروه‌های اسمی که از ترکیب هسته و حاشیه موصولی به دست می‌آیند به همراه گروه‌های اسمی هم‌پایه، در زمره گروه‌های اسمی پیچیده قرار می‌گیرند. گروه اسمی دارای گروه متممی دارای دو نوع بند موصولی می‌باشند: ۱- بندهای موصولی تحدیدی که اطلاعاتی ارائه می‌دهند که جهت شناسایی اسم لازم می‌باشند و قابل حذف نمی‌باشند و ۲- بندهای موصولی غیرتحدیدی که اطلاعاتی ارائه می‌دهند که جهت شناسایی اسم لازم نمی‌باشند و قابل حذف می‌باشند و متمم اسمی.

گروه‌های اسمی مرکب شامل: الف) گروه اسمی مرکب درون مرکز، ب) گروه اسمی مرکب برون مرکز، پ) مرکب بدل یا دوسویه و ت) مرکب دوتایی یا متوازن می‌باشند.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت که گروه اسمی دارای عناصر پیش هسته و پس هسته می‌باشد که چهار چوب نظری ون‌ولین (۲۰۰۵) به‌راحتی قادر به طبقه‌بندی این عناصر بر پایه حاشیه‌ها، عملگرها و افزوده‌های سه سطح: هسته، مرکز و گروه اسمی می‌باشد.

عناصر غیر موضوع در گروه اسمی زبان که حاشیه نامیده می‌شوند دارای عناصر مختلفی که نقش‌های متفاوتی دارند، می‌باشند. گروه‌های اسمی و بندهای موصولی تحدید کننده از عناصر حاشیه هسته و مرکز اسمی می‌باشند. این دسته از عناصر گروه‌های اسمی بسته به رابطه خود با هسته و مرکز اسمی در دو جایگاه حاشیه‌ای قبل و بعد از آن قرار می‌گیرند. بر این اساس که قبل هسته و مرکز اسم قرار می‌گیرند، به‌عنوان عناصر پیش هسته نام‌گذاری شده‌اند و عناصری که بعد از هسته یا مرکز قرار می‌گیرند به‌عنوان عناصر پس‌ا هسته نام‌گذاری شده‌اند.

یکی از تمایزات مهم در ساخت گروه اسمی، تمایز میان ساخت سازه‌ای و فراقن‌ها است، به این صورت که عملگرهای گروه اسمی مسئول بیان جایگاه و مکان مرجع با توجه به نقطه ارجاع و یا پیش فرض گوینده برای تعیین مرجع برای شنونده است. درواقع عملگرها مقولات دستوری هستند که لایه‌های مختلف گروه اسمی را تعیین می‌کنند. نمود اسمی بیان‌گر این مطلب است که اسم، مرجع شخص، گروهی از اشخاص و یا یک نوع است. عملگرهای مرکز اسم به کمیت اشاره دارند یعنی وظیفه تعیین مقدار و نفی را به عهده دارند و اسم را نشاندار می‌کنند، درحالی‌که عملگرهای سطح گروه اسمی، گروه اسمی را در داخل گفتمان بررسی می‌نمایند. این دسته از عملگرها در دو مورد یعنی معرفه‌سازی و ارجاع، مقدار و کمیت اسم را نشان دار می‌کنند، حال آنکه عملگرهای لایه هسته اسم تعریف کننده کیفیت مرجع اسم هستند. از نقش عملگرها در این لایه گاهی با عنوان نمود اسمی نیز نام می‌برند زیرا با ساخت درونی یا صورت مرجع سر و کار دارند. به عبارت دیگر وظیفه اولیه عملگرهای هسته اسم توصیف محدود است، پس منطقی خواهد بود که حاشیه هسته اسم نیز مشتمل بر توصیف کننده‌های محدود کننده حاشیه از جمله بندهای موصولی تحدیدی باشد ولی بندهای موصولی غیر تحدیدی در حاشیه گروه اسمی قرار می‌گیرند.

گروه‌های اسمی پیچیده از عملگرهای سه سطح هسته، مرکز و گروه اسمی یا بند برخوردارند و دارای نوع ارتباط، پیوند خاص و نیروی منظوری مختص به خود می‌باشند. منظور از نیروی منظوری ساخت اطلاعاتی بند می‌باشد و بندهای موصولی تحدیدی، غیرتحدیدی و متمم‌های اسمی از نیروی منظوری بیانی برخوردارند. بندهای موصولی تحدیدی بعد از هسته قرار می‌گیرند و به‌عنوان عنصر حاشیه‌ای بر روی مرکز اسم تأثیرگذار هستند و

بندهای غیرتحدیدی و متمم‌های اسمی از عناصر حاشیه بعد از مرکز اسم هستند. به این ترتیب به راحتی می‌توان نزدیک بودن بندهای تحدیدی را به هسته دریافت که اطلاعاتی می‌دهند که برای تشخیص اسم ضروری می‌باشند و غیر قابل حذف می‌باشند و ارتباط در این نوع گروه اسمی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع هسته می‌باشد.

بندهای موصولی غیرتحدیدی از عناصر حاشیه مرکز می‌باشند چون اطلاعات ضروری برای تشخیص اسم به شنونده منتقل نمی‌کنند و از لحاظ معنایی رابطه نزدیک با هسته اسمی ندارند. ارتباط در این نوع پیروسازی و پیوند از نوع مرکز اسمی می‌باشد. ساخت‌های دارای متمم اسمی دارای بندی به عنوان موضوع مرکز هسته اسم می‌باشد. نوع ارتباط در این نوع گروه اسمی از نوع پیروسازی و پیوند از نوع مرکز هسته اسم می‌باشد.

ساخت بندهای موصولی تحدیدی در ترکی آذری با محدودیت‌هایی مواجه هستند و تمامی گروه‌های اسمی قادر به شرکت در هسته اسمی این گروه‌ها نیستند، مثلاً اسامی خاص و ضمائر شخصی نمی‌توانند در این هسته اسمی قرار گیرند و در صورت قرارگرفتن جملات غیر دستوری به وجود می‌آید، حال آنکه در جملات غیرتحدیدی این محدودیت وجود ندارد. زبان ترکی آذری ابزار صوری جهت تمایز بندهای دارای موصول تحدیدی و غیرتحدیدی ندارد، تنها ابزار صوری جهت تشخیص بند موصولی تحدید کننده از غیرتحدید کننده مکث در گفتار و کاما در نوشتار است.

در پاسخ به سؤال سوم تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد اما نکته قابل تأمل در این زمینه این است که این دستور قادر به توجیه این محدودیت‌ها نمی‌باشد و نیاز مبرم به بررسی این محدودیت‌ها بر پایه دستور نقش و ارجاع وجود دارد. باهم آبی بعضی از عناصر در ترکی آذری، با محدودیت‌هایی همراه است که به عنوان مثال می‌توان به دو مورد زیر اشاره نمود:

بدل و نشانه معرفه در کنار هم قادر به شکل‌گیری ترکیب خوش‌ساخت نمی‌باشند؛ مثل:
5-1 *Zæhra, kændin mamasını kɪ dɯnæn buɣda æhdi
کاشت گندم دیروز که نشانه معرفه قابله صفت ملکی روستا زهرا
* زهرا قابله روستا را که دیروز گندم کاشت.

5-2 *Zæhra, kændin mamasından kɪ dɯnæn buɣda æhdi
کاشت گندم دیروز که از صفت ملکی قابله روستا زهرا
* زهرا از قابله روستا که دیروز گندم کاشت.

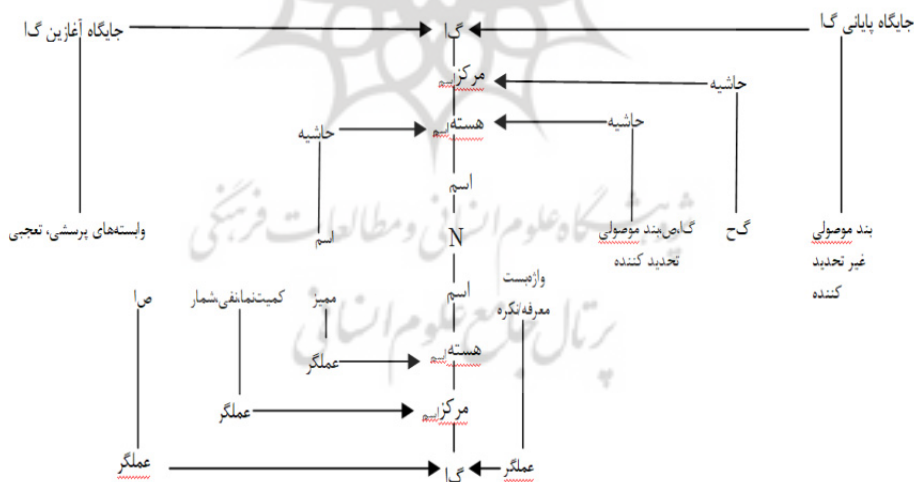
در گروه درون مرکز عملگرهای هسته قبل از هسته اسمی قرار می‌گیرند. گروه اسمی برون مرکز دارای هسته محذوف می‌باشد که می‌تواند انسان، حیوان و شیء باشد و دیگر عناصر از عناصر پیش هسته می‌باشند که قبل از هسته قرار می‌گیرند.

در ترکیب بدل یا دوسویه هر دو اسم می‌توانند به‌عنوان هسته تلقی شوند در این صورت هم عناصر پیش هسته و هم پس هسته وجود دارد با توجه به اینکه کدام اسم به‌عنوان هسته تلقی شود مثلاً در اسم متوازن اگر هسته تلقی شود در حاشیه هسته قرار می‌گیرد و اگر به‌عنوان هسته تلقی شود در این صورت به‌عنوان عنصر پیش هسته تلقی خواهد شد.

در ترکیب دوتایی یا متوازن هسته اسمی تهی تلقی می‌گردد و عناصر سازنده ترکیب قبل از هسته قرار می‌گیرند یعنی از عناصر حاشیه هسته تهی تلقی می‌گردند.

در بررسی ساخت گروه اسمی از منظر نقش و ارجاع می‌توان به نکاتی اشاره کرد که مختص این دستور بوده و در دیگر دستورهای صورت‌گرا و سستی مشاهده نمی‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان از عدم وابستگی ساخت گروه اسمی به چینش خطی عناصر در این دستور اشاره کرد.

نمودار پیشنهادی گروه اسمی در زبان ترکی آذری به صورت زیر می‌باشد:



نمودار ۱۱. ساختار لایه‌ای پیشنهادی گروه اسمی در ترکی آذری

لیست اختصارات

LF Logical form
RRG Role and Reference Grammar

اسم	ا
فعل	ف
قید	ق
صفت	ص
گروه اسمی	گ.ا
اسم خاص	ا.خ
گروه حرف اضافه ای	گ.ح
نشانه‌ی پیوند بندی	ن.پ.ب
دوم شخص مفرد	۲ ش م
سوم شخص مفرد	۳ ش م
واژه بست ضمیری	واژض
واج میانجی	و م
حذف	∅

ضمیمه

فهرست نشانه‌های آوایی زبان ترکی آذری

معادل فارسی	مثال	تلفظ	نشانه آوایی
گربه	piših	پ	P
عسل	bal	ب	b
روباه	tülkü	ت	t
سنگ	daş	د	d
کیک	Keyk	ک	k
قایق	gæmi	گ	g

۱۲۰ زبان‌شناخت، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

نشانه آوایی	تلفظ	مثال	معادل فارسی
f	ف	fil	فیل
v	و	ev	خانه
s	س	Sarı	زرد
z	ز	Zaergær	طلا فروش
š	ش	šiša	شیشه
x	خ	xons	خروس
ɣ	غ	day	کوه
q	ق	qiš	زمستان
h	ح	heyva	میوه به
ǰ	ج	ǰeyran	گوزن
č	چ	čöræh	نان
m	م	maral	آهو
n	ن	nahar	ناهار
l	ل	æl	دست
r	ر	tærn	تنور
y	ی	yay	تابستان
a	آ	ana	پدر
æ	آ	æm	عمو
i	ایی	ilan	مار
ɪ	ای	dil	زبان
e	اِ	ev	خانه
o	اُ	otay	داس
ö	اؤ	ördæh	اردک
u	او	uǰa	بلند
ü	اؤ	üzüm	انگور

کتاب‌نامه

افراشی، آزیتا (۱۳۸۶)، *ساخت زبان فارسی*، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.
 پیمان، شهرام، والی رضایی و محمد عموزاده (۱۳۹۴)، «جایگاه گروه صفتی زبان فارسی در دستور نقش و ارجاع»، *مجله پژوهش‌های زبانی*، سال ششم، شماره ۲.

بازنمود گروه‌های اسمی پیچیده و مرکب زبان ... (افشین دهقانی و دیگران) ۱۲۱

رسول پور حسنلوئی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی جملات مرکب در زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه «دستور زبان نقش و ارجاع»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.

رضائی، والی و زلیخا عظیم دخت (۱۳۹۶)، «بررسی محمول‌های مکانی در زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع»، فصلنامه زبان پژوهی، دوره ۹، شماره ۲۲، ص ۱۱۰.

شقایق، ویدا (۱۳۸۶)، مبنای صرف، تهران: انتشارات سمت.

طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۲)، اسم و صفت مرکب در زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

طهماسبی نیگجه، پریسا (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی ساخت‌های غیر شخصی در زبان ترکی آذربایجانی و فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، تهران جنوب.

عزیزی، فرزاد، سید فرید خلیفه لو و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۶)، «ساخت لایه‌ای گروه اسمی در زبان کردی مکی بر اساس دستور نقش و ارجاع»، مجله پژوهش‌های زبانی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۰۶-۱۰۲.

علائی، بهلول (۱۳۹۲)، «بررسی فرآیند هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذری منطقه مغان از دیدگاه واج‌شناسی خود واحد»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱.

غفاری، علی اصغر (۱۳۹۶)، تصریف در زبان ترکی آذربایجانی در چارچوب نظریه واج‌شناسی و ساخت‌واژه‌وارگانی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

فرزانه، محمدعلی (۱۳۸۴)، مبنای دستور زبان ترکی، تهران: نشر کتابخانه فرهنگ.

کلاهدوزی پور، ایسان (۱۳۹۹)، تحلیل ساختی وابسته‌های پیشین گروه اسمی در زبان ترکی در چهارچوب نظری ایکس تیره. ششمین همایش بین المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۶)، توصیف و آموزش زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

نبی فر، نساء و مجتبی منشی زاده (۱۳۹۱)، «ساخت سببی ریشه‌ای، تک واژی و کمکی در ترکی آذری»، زبان پژوهی، سال چهارم، شماره ۶.

هیئت، جواد (۱۳۸۰)، سیری در تاریخ و زبان و لهجه‌های ترکی، چاپ سوم، تهران: نشر پیکان.

Bloomfield, Leonard (1983). "An introduction to the study of language". *An Introduction to the Study of Language*, pp. 1-383.

Corbett, Greville G (2000). *Number*. Cambridge University Press.

Görgülü, Emrah (2018). "Noun Semantics and Number Marking in Turkish". *Dil ve Edebiyat Dergisi*, Vol. 15, No. 1, pp. 85-104.

- Ketrez, F (2003). “-IAr-marked nominals and three types of plurality in Turkish”. In *Proceedings from the Annual Meeting of the Chicago Linguistic Society* (Vol. 39, No. 1, pp. 176-192). Chicago Linguistic Society.
- Pavey, Emma L (2010). *The structure of language: An introduction to grammatical analysis*. Cambridge University Press.
- Rezai, Vali (2003). A Role and Reference Grammar analysis of simple sentences in Farsi. *Modern Persian*, Ph. D. Dissertation, University of Isfahan.
- Roberts, J. R (2005). *Scrambling in Persian*. Available online at RRG website.
- Spencer, Andrew (1991). *Morphological theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Wiley-Blackwell.
- Uygun, Dilek (2007). Lexical Categories in Turkish. Ms. *Boğaziçi University*.
- Van Valin Jr, Robert D (2001). *An introduction to syntax*. Cambridge University Press.
- Van Valin Jr, Robert D (2005). *Exploring the syntax-semantics interface*. Cambridge University Press.
- Van Valin Jr, Robert D (2008). *Role and Reference Grammar*. John Benjamin Publication.
- Van Valin, R. D., van Valin Jr, R. D., van Valin Jr, R. D. & LaPolla, R. J (1997). *Syntax: Structure, meaning, and function*. Cambridge University Press.
- Van Valin, Robert D (Ed.). (1993). *Advances in role and reference grammar* (pp. 499-534). Amsterdam: Benjamins.